



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری  
سال نهم / شماره سی و پنجم / پاییز ۱۳۹۹

## نقش دولت در حمایت از کسب و کارهای کوچک و متوسط

مصطفی یرتو افکنان

دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب  
mpartoafkanan@yahoo.com

پروانه گلرد

دانشیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب  
(نویسنده مسئول)  
p\_gelard@azad.ac.ir

عبدالله نعیمی

گروه مدیریت بازرگانی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
Naami122@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۴/۰۱

### چکیده

کسب و کارهای کوچک و متوسط از بارزترین نمادهای کارآفرینی در کشورها محسوب می‌شود. با توجه به نقش سازنده این بخش در توسعه اقتصاد هر کشوری، توجه به موفقیت و شکست کسب و کارهای کوچک و متوسط مد نظر دولت‌هاست. براین اساس، هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی نقش حمایت مالی دولت نسبت به کسب و کارهای کوچک و متوسط می‌باشد. شرکت‌های های کوچک و متوسط به دلیل ماهیت و ویژگی های خاص خود در مقایسه با شرکت‌های بزرگ با مشکلات زیادی در تامین مالی مواجه می‌شوند. در این پژوهش مروری بر نقش حمایتی دولت نسبت به کسب و کارهای کوچک و متوسط که به دلیل بحران‌های مالی دچار از هم پاشیدگی شده‌اند، پرداخته شده‌است و در پایان پیشنهادهایی در راستای سیاست‌های مالی دولت در حمایت از این بخش ارائه گردیده‌است.

**واژه‌های کلیدی:** حمایت مالی دولت - تامین مالی - کسب و کارهای کوچک و متوسط.

## ۱- مقدمه

به طور کلی بنگاه‌های کوچک و متوسط<sup>۱</sup> به دلیل نقش بنیادین در ایجاد اشتغال و افزایش تولید ناخالص داخلی، اهمیت راهبردی برای کشورهای مختلف در مسیر توسعه اقتصادی داشته و پژوهش‌های گسترده‌ای در این زمینه برای ارتقای کارایی آن‌ها در حال انجام است (ساروسکو و فریس دیانتارا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶). مطالعات انجام شده حکایت از این واقعیت مهم دارد که بنگاه‌های کوچک و متوسط فرصت‌های نوینی را برای بروز خلاقیت و نوآوری کارآفرینان و در نهایت تجاری‌سازی کالاها و خدمات فراهم می‌کنند. کارآفرینان، به دنبال عملیاتی کردن ایده‌های نوین خود با استفاده از فرصت‌ها و محیط کسب و کار حاکم بر اقتصاد کشور با استفاده کارآمد از سرمایه‌های راکد کشور از مسیر بنگاه‌های کوچک و متوسط هستند. بنابراین کارآفرینان بنگاه‌های کوچک و متوسط با ارائه خدمات مطلوب به جامعه رکن اصلی را در ایجاد اشتغال و رشد و توسعه اقتصادی بر عهده دارند (عقیلی و دیگران، ۱۳۹۱).

کسب و کارهای کوچک و متوسط کارآفرین<sup>۳</sup> با داشتن ویژگی‌های منحصر به فرد نظیر:

- ✓ چابکی، انعطاف‌پذیری در مقابل تغییرات، فقدان بروکراسی و سرعت در انجام امور،
- ✓ پتانسیل اشتغال‌زایی و ایجاد ارزش افزوده با کمترین هزینه و سرمایه‌گذاری،
- ✓ توانایی پاسخگویی سریع به تغییرات جهانی و نیاز مشتریان با توجه به سرعت تصمیم‌گیری متمرکز،
- ✓ به فعلیت درآمدن کارآفرینان خلاق و نوآور و کسب تجارب اولیه در امور مختلف،
- ✓ پرورش نیروی‌های کارآزموده و باتجربه برای بنگاه‌های اقتصادی بزرگ،
- ✓ داشتن سهم بزرگی از اشتغال و رشد اقتصادی و ...

نقش حیاتی برای نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری هر کشور به‌ویژه کشورهای در حال توسعه دارند (ویلکینسون و بروتز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸). به عبارت دیگر، کارآفرینان با مهارتی که در تشخیص فرصت‌های محیطی و نقاط قوت داشته و توانمندی ایجاد حرکت در جهت توسعه این موقعیت‌ها را دارند، پیشگامان حقیقی تغییر در اقتصاد و تحولات اجتماعی محسوب می‌شوند (آتسد و بریچان<sup>۵</sup>، ۲۰۱۸). بر این اساس، ایجاد بنگاه‌های کوچک و متوسط کارآفرین و حمایت از آن‌ها یکی از اولویت‌های اساسی برنامه‌های توسعه اقتصادی هر کشوری می‌باشد. با توجه به اهمیت بنگاه‌های کوچک و متوسط کارآفرین برای دولت و اقتصاد کشور، شکست هر کدام از این بنگاه‌ها و خروج از چرخه ایجاد اشتغال و ارزش افزوده، به غیر از اتلاف منابع از طریق صرف هزینه‌های زیاد برای کشور، باعث کاهش انگیزه کارآفرینان در حرکت به سمت کمک به توسعه اقتصادی کشور شده و جوانه‌های پویایی در مهم‌ترین بخش کارآفرینی با مشکل مواجه می‌شود (رضایی و حسینی، ۱۳۹۲).

راه‌اندازی مجدد شرکت‌های کارآفرین شکست خورده را باید به‌عنوان یک فرصت مغتنم شمرد (هولینکا و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۴). درک امکان ایجاد یک کسب و کار جدید، امکان ایجاد بهبود قابل توجه در موقعیت یک کسب و کار موجود و از همه مهمتر تلاش برای راه‌اندازی مجدد کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کارآفرین شکست یافته با هدف کسب سودآوری، دارای اهمیت بوده و در مقام مقایسه برگشت کسب و کارهای شکست

خورده به مدار تولید و اشتغال و سودآوری، برای اقتصاد کشور از مزیت و کارایی بالایی برخوردار می‌باشد (سجاسی و همکاران، ۱۳۹۴).

راه اندازی مجدد کسب و کارهای کوچک و متوسط کارآفرین مستلزم حمایت و پشتیبانی بخش دولتی نیز می‌باشد. حمایت مالی دولت از کسب و کارهای کوچک و متوسط بر پایه این فرضیه استوار است که بازار سرمایه بدون مداخله دولت نمی‌تواند نیازهای بنگاه‌های کوچک را تامین کند. این ناتوانی در عدم ارائه اعتبار به شرکت‌های کوچک اصولاً از سیاست‌های مالی سال‌های اخیر که خود ریشه در کمبود بودجه، افزایش عرضه پول و تورم دارد، ناشی می‌شود (خلیل، ۲۰۱۵).

اصولاً راه‌های حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط و زودبازده در همه کشورها مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کلان اقتصادی و اجتماعی است. یکی از موارد مهم برای حمایت از این بنگاه‌ها بحث تامین مالی آنهاست. طبق گفته کوپر این مورد که سرمایه مالی برای کسب و کارهای کوچک و متوسط شکست خورده مساله مهمی است مورد توافق صاحب نظران است، لذا مالکیت این سرمایه مهم نیست بلکه دسترسی به این سرمایه بسیار دارای اهمیت است (الیاسی و نوتاش، ۱۳۹۰).

طرح حمایت از بنگاه‌های زودبازده و کارآفرین با اهداف اساسی آن که در متون علمی و دانشگاهی نیز می‌توان آنها را یافت، به منظور تامین مالی اینگونه بنگاه‌ها تدوین شده و تا کنون نیز میلیاردها تومان از منابع کشور صرف این امر شده است. ارزیابی اثرات این طرح بر میزان تغییر اشتغال در کشور، ضمن تاثیر بر تصمیم‌گیری درباره ادامه، اصلاح و یا بهبود آن، می‌تواند سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را در جهت طراحی استراتژی و برنامه‌هایی از این نوع کمک کند، و به منظور تبیین این مسئله، سوالاتی به شرح زیر مطرح می‌شوند:

آیا اعتبارات پرداخت شده در سطح کشور موثر بوده است؟

آیا قوانین وضع شده در راستای اجرای برنامه‌های مالی برای کسب و کارهای کوچک و متوسط، مناسب و کارآمد بوده‌اند؟

شاخص خروج از کسب و کار با نرخ عدم تداوم کسب و کار از اهمیت بالایی برخوردار است، به دلیل اینکه در هیچکدام از آمارهای رسمی کشور، این نرخ وجود ندارد. در دنیا شرکت‌های زیادی با ایده‌های جدید، خلاق و کارآفرینی ایجاد شده و به شرکتی بزرگ و جهانی تبدیل شده‌اند. ژاپن به عنوان یکی از پنج قدرت اول اقتصاد جهان: ۸۹٪ صنایع کشور، ۹۷٪ نیروی شاغل بخش صنعت، ۳۳٪ ارزش افزوده بخش صنعت، ۸۰٪ ارزش تولیدات و ۶۰٪ صادرات صنعتی متعلق به صنایع کوچک و متوسط است. کره جنوبی ۷۳٪ واحدهای صنعتی، ۵۷٪ اشتغال صنعتی، ۴۳٪ ارزش افزوده بخش صنعت، ۴۷٪ ارزش تولیدات و ۳۹٪ صادرات صنعتی متعلق به کسب و کار کوچک و متوسط کارآفرین است (بانک جهانی، ۲۰۱۵). همچنین یکی از مراکز کارآفرینی معروف و موفق در دنیا که موفقیت‌ها و شکست‌های بسیار زیادی به خود دیده است دره سیلیکون در آمریکا است که در واقع می‌توان از آن به مرکز کارآفرینی دنیا یاد کرد. بررسی کسب و کار کوچک و متوسط کارآفرین در ایران و جهان مشخص می‌کند قریب به ۹۰ درصد از شرکتهای مذکور در ابتدا با مشکلات بیشمار دست به گریبان شدند و تعدادی زیادی از آنها موفقیت لازم را به دست نیاوردند و در ابتدای راه شرکت‌های مذکور به ورطه تعطیلی

کشیده شده اند (سجاسی و همکاران، ۱۳۹۶). بنابر گزارش اداره کسب و کارهای کوچک در آمریکا (SBA) بیش از ۵۰ کسب و کارهای کوچک در سال های اول با شکست مواجه شده و ۹۰ آنها در پنج سال اول از بین می روند. بر اساس برنامه تحقیقاتی GEM، مهمترین و معروف ترین شاخص کار آفرینی در جهان، شاخص کارآفرینی نوپا است. میزان این شاخص در سال ۱۳۹۶ برای ایران، برابر ۳۱ درصد بوده است که بیانگر رتبه ۲۳ در میان ۵۴ کشور جهان است (الیاسی و نوتاش، ۱۳۹۰).

نیمی از کارآفرینان در تلاش برای سازماندهی کسب و کار خویش با شکست روبرو می شوند. شکست ها در ایجاد و اداره کسب و کارها را می توانیم از منظر هزینه های مختلف شامل هزینه های اقتصادی، اجتماعی، روحیروانی و جسمانی - فیزیکی مورد توجه قرار دهیم (نوتاش، ۱۳۸۹). شناسایی دلایل و ریشه های شکست کسب و کارهای کارآفرینانه می تواند مبنای لازم برای سیاست گذاری توسعه و پایداری این گونه کسب و کارها را ایجاد نماید و محیط کسب و کار را برای شکوفایی آنها فراهم نماید. اگر چه پژوهش های محدودی در زمینه شناسایی ریشه های شکست کار آفرینان ایرانی انجام شده است، لیکن الگویی برای حمایت از این کار آفرینان شکست یافته تاکنون ارائه نشده است.

شرکت های کار آفرینی علی رغم توان و قابلیت فراوان برای مقابله با مشکلات اقتصادی و اشتغال زایی و امکان عملیاتی نمودن ایده های بکر، دچار مشکلات شدید زیادی هستند که به عواملی مختلف درون سازمانی و برون سازمانی مربوط می شود (پت کووا<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸). از جمله مشکلاتی که باعث شکست شرکت های کارآفرین و استارت آپ در جهان و ایران شده می توان به فقدان مقیاس لازم از جنبه های مختلف سرمایه، تولید و بازار، مشکلات قانونی و حقوقی، نامساعد بودن محیط کسب و کار، نبود زیرساخت های نرم افزاری و تشکیلاتی یکپارچه و عدم توان لازم برای فائق آمدن به تمامی مشکلات غیر مرتبط با ایده، فقدان حمایت و ارتباط سالم و منسجم با شبکه بانکی و مالی و فقدان شبکه های همکاری میان بنگاهی کشور را از جمله عوامل برون سازمانی شکست پروژه های کار آفرینی و استارت آپ ها می توان به شمار آورد. در سوی دیگر بعضی عوامل از درون سازمان باعث بروز مشکلات و شکست پروژه های کار آفرینی می شود که می توان به عدم شناخت کارآفرین با شیوه های بازاریابی و شناخت دقیق بازار، عدم توانایی مدیریت علمی و اصولی، عدم آشنایی با شیوه های نهادینه کردن محصول در بازار، شیوه قیمت گذاری، عدم آشنایی با نوسان در عرضه و تقاضا و عدم دسترسی به منابع مالی کافی را می توان از جمله مشکلات کسب و کار کوچک و متوسط کارآفرین به شمار آورد (اوگه و دپرچکر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶).

### کسب و کارهای کوچک و متوسط

بعضی از تحقیقات، شرکت های کوچک و متوسط را اینگونه تعریف می نمایند که شرکت های کوچک و متوسط دارای کارکنانی کمتر از ۲۵ نفر می باشند و بعضی دیگر نیز اعتقاد بر این دارند که این نوع از شرکت ها دارای کارکنانی کمتر از ۵۰۰ نفر می باشند (بکو و همکاران، ۲۰۰۵). بر اساس دیدگاه اروپاییان شرکت های کوچک و متوسط موسسات خصوصی جدای از بخش کشاورزی هستند که دارای کارکنانی کمتر از ۵۰۰ نفر می

باشند. بعلاوه گردش مالی آنها بایستی کمتر از ۴۰ میلیون یورو و با ترازنامه کمتر از ۲۷ میلیون یورو باشد و در نهایت از نظر اقتصادی باید مستقل باشد و بیش از ۵۰ درصد آن متعلق به بخش خصوصی باشد. در ایران وزارت صنایع و معادن، جهاد کشاورزی و تعاون، بنگاه های کوچک و متوسط را واحدهای صنعتی و خدماتی می دانند که کمتر از ۵۰ نفر پرسنل دارند (احمد پور و مقیمی، ۱۳۸۵).

آنچه که اداره آمار بانک مرکزی به عنوان طبقه بندی واحدهای صنعتی در نظر می گیرد بدین صورت است که واحدهای با کمتر از ۱۰ نفر کارکن «خرد»، ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن «کوچک»، ۵۰ تا ۹۹ نفر کارکن «متوسط» و بالاتر از ۱۰۰ نفر کارکن «بزرگ» نامیده می شوند. بنابراین بانک مرکزی ایران نیز کسب و کارهای زیر ۱۰۰ نفر نیروی کار را به عنوان بنگاه های کوچک و متوسط تلقی می کند. اما مطابق بررسی های مرکز پژوهش های بازرگانی و سازمان توسعه صنایع کوچک و متوسط و قوانین فعلی در ایران مجموعه بنگاه های صنعتی کمتر از ۵۰ نفر پرسنل در زمره بنگاه های کوچک و متوسط هستند. بنا بر تازه ترین تعریف سازمان صنایع کوچک و شهرک های صنعتی، صنایع کوچک به صناعی گفته می شود که تعداد شاغلان آنها بین ۵ تا ۵۰ نفر باشد و صنایع بزرگ، صناعی می باشند که تعداد شاغلان بیش از ۵۰ نفر داشته باشند (یداللهی و همکاران، ۱۳۸۸).

### حمایت های مالی دولت در توسعه کارآفرینی

کارآفرینی موتور رشد اقتصادی و نماد اصلی نوآوری در یک کشور است، لذا دولت ها در سراسر جهان حرکت به سوی ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط را به عنوان منابع اشتغال و رشد اقتصادی آغاز کرده اند. به طور کلی سرمایه گذاری دولتی نه تنها می تواند تنظیم کننده متغیرهای اقتصادی باشد بلکه ماهیت و نوع آن اغلب باعث تحول در ساختمان اقتصادی و اجتماعی می شود. سرمایه گذاری دولتی علاوه بر اینکه نماید (حجازی و کشتکار، ۱۳۹۰). هماهنگی بین هدف های کوتاه مدت و بلند مدت با توجه به نوع سرمایه گذاری تعیین می شود. از این نظر سرمایه گذاری دولتی را می توان به سه دسته، سرمایه گذاری های زیر بنایی، سرمایه گذاری های بنیانی اجتماعی و سرمایه گذاری های انتفاعی تقسیم کرد. سرمایه گذاری انتفاعی به منظور توسعه و تقویت بنیه مالی و تقویت حس ابتکار واحدهای اقتصادی در بخش خصوصی انجام می گیرد. در مواردی که بخش خصوصی به تنهایی قادر به سرمایه گذاری نیست و همچنین در مواردی که در قدرت سودرسانی آن ابهام وجود دارد، دولت پیشگام می شود (رضایی و حسینی، ۱۳۹۲). اصولاً برنامه های حمایتی دولتی در سرمایه گذاری کسب منافع عمومی مانند افزایش نوآوری، رشد و اشتغال انجام می شود. به طور کلی دولت ها در کشورها سه نوع سیاست نسبت به کارآفرینی اجرا کرده اند:

با ارائه کمک های مالی و ساده سازی قواعد بروکرات محیط تنظیمی خود را برای کارآفرینی بهبود داده اند. از طریق ارائه برنامه هایی برای اشاعه دانش و مهارت لازم برای کارآفرینان جهت راه اندازی یک کسب و کار کوچک محیط شناختی خود را بهبود داده اند و از طریق فعالیت های لازم برای بهبود برداشت جامعه نسبت به بخش کارآفرینی محیط هنجاری خود را تقویت نموده اند. محیط های حاکم بر هر کشور می تواند انگیزه، توانایی

و برداشت‌های آنان را نسبت به فرصت‌های در دسترس تحت تاثیر قرار دهد (سبزه‌علی و امرایی، ۱۳۹۰). به طور کلی مهم‌ترین نقش دولت، نقش تنظیمی آن می‌باشد که به توضیح آن می‌پردازیم.

### نقش‌های تنظیمی دولت

کشورها از طریق کاهش یا تخفیف مالیاتی، پرداخت وام‌های ضروری و دیگر برنامه‌های تنظیمی کارآفرینی را پشتیبانی می‌کنند و بدین طریق احتمال اینکه مردم، یک فرصت جذب را شناسایی کنند و در نتیجه تصمیم بگیرند که کسب و کار خود را راه‌اندازی کنند، افزایش می‌دهد. پشتیبانی مالی برای شرکت‌های کوچک و متوسط یکی از معمول‌ترین رویکردها برای ارتقای کارآفرینی در سراسر جهان است. این حمایت‌های مالی ممکن است به طور خاص برای کارآفرینانی که از فقدان منابع مالی، که از آن به عنوان منبع اصلی راه‌اندازی یک کسب و کار نام برده می‌شود، مهم باشد (صمدآقایی، ۱۳۸۵).

دولت می‌تواند کلیه اطلاعات مرتبط با سرمایه‌گذاری‌ها و منابع سرمایه را جهت استفاده سرمایه‌گذاران منتشر نموده و در اختیار آنان قرار دهد. همچنین دولت می‌تواند با ایجاد شبکه‌های مختلف سرمایه‌گذاری در حمایت مالی از کسب و کارهای کوچک و متوسط بسیار موثر باشد (کولوبندی و دیوانداری، ۱۳۸۷).

### اقدامات مستقیم دولت

بسیاری از دولت‌ها در کنار ایجاد شرایط و چارچوب مناسب سرمایه‌گذاری، بسیاری از برنامه‌های خود را جهت به حرکت درآوردن سرمایه‌پر مخاطره به هدف حمایت از سرمایه‌های کوچک و نوآور به کار می‌گیرند. اقدامات مستقیم دولت به طور خاص بر طرح‌های تامین مالی دولتی دلالت دارد که باعث افزایش عرضه حمایت مالی پر مخاطره می‌شود. این برنامه‌ها بیشتر بر مشوق‌های مالی تمرکز دارند، اما شامل سرمایه‌گذاری‌های پر مخاطره و وام‌های دولتی نیز می‌شود (مرادی و نیلی پور، ۱۳۹۰) همچنین این ابزارها می‌تواند مستقیماً در شرکت‌هایی با سرمایه‌پر مخاطره یا در شرکت‌های کوچک و متوسط به کار گرفته شود. دو منطق برای اجرای این برنامه‌ها وجود دارد که یکی از آن دو منطق منفعت عمومی است. دولت معتقد است که با اجرای برنامه‌های سرمایه‌گذاری پر مخاطره، نرخ بازدهی اجتماعی بالاتری نسبت به نرخ بازدهی خصوصی به دست می‌آید. در این برنامه‌ها تلاش می‌شود که منافع عموم مردم، از طریق افزایش پتانسیل خلق مشاغل خوب در شرکت‌های کوچک و تداوم رشد بلندمدت تکنولوژی‌های با اهمیت تامین شود (مصلحی و همکاران، ۱۳۹۶).

دومین منطق پر کردن شکاف تامین وجوه است. دولت ممکن است با هدف پر کردن شکاف تامین وجوهی که مانع دسترسی شرکت‌های کوچک به وجوه مورد نیازشان است اقدام نماید. این شرایط ممکن است بازتاب وجود شرایط عدم نقدشوندگی در سیستم مالی یا انحراف وجوه نقد از مسیر به خاطر مقررات دولتی باشد. این نشانه‌ها حاکی از آن است که بازار سرمایه بایستی متمایز تر و بزرگتر و طوری باشد که تعداد بیشتری شرکت در آن فعالیت نمایند (مصلحی و همکاران، ۱۳۹۶).

### مروری بر مطالعات صورت گرفته شده

اولین مطالعات مربوط به نقش بنگاه های کوچک و متوسط در ایجاد اشتغال را می توان در کار مطالعاتی بیرچ<sup>۱</sup> (۱۹۷۹) مشاهده نمود. بررسی وی نشان می دهد که در طی دهه ۱۹۷۰ میلادی، ۸۰ درصد از مشاغل ایجاد شده در آمریکا توسط بنگاه هایی با اندازه کمتر از ۱۰۰ نفر کارکن به وجود آمده است. البته ایراداتی به مطالعه بیرچ مبنی بر اینکه وی بین بنگاه های کوچک و متوسط و شعبه های مستقل صنایع بزرگ تمایزی قائل نشده بود وارد شده است، در حالی که بخش بزرگی از مشاغل، توسط بخش کوچکی از بنگاه ها (بنگاه های کوچک و متوسط با رشد سریع در افزایش تعدادشان) ایجاد شده بود (داوری، ۱۳۹۱). ایپها و سیانبولا<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) در تحقیق خود با عنوان چالش های اساسی محدود کننده ی عملکرد کسب و کار های کوچک در نیجریه به بررسی سازمان های کوچک و دلایل عملکرد ضعیفشان پرداختند. این تحقیق با روش اکتشافی و مصاحبه های عمیق و نیمه ساختار یافته به پنج چالش اساسی که مانع فعالیت سازمان های کوچک در نیجریه می شود رسید، این چالش ها شامل دسترسی محدود به اعتبار، هزینه ی بالای انجام کسب و کار، زیر ساخت های ناکافی، خط مشی های اقتصادی ناسازگار و فساد و مالیات های متعدد هستند.

نواز و همکاران (۲۰۱۲) تحقیقی را با عنوان «فاکتور های مهم شکست سازمان ها: تمرکز روی پاکستان ایرلاین» انجام دادند. داده های این تحقیق از طریق روش کتابخانه ای، پرسش نامه و مصاحبه جمع آوری شد. نتایج نشان داد مهم ترین دلایل شکست نژاد پرستی، ضعف در مدیریت، مقررات خدمات ضعیف، حکومت ناکارا، فساد، فقدان امنیت و مشکلات مالی است، البته دلایل دیگری مانند ناوگان سالخورده و افزایش قیمت سوخت به شکست PAI کمک کرده اند.

عاطفی (۱۳۹۷) در پژوهشی به «بررسی و شناسایی مهمترین عوامل شکست بر بنگاه های کوچک و متوسط فعال در صنعت شیمیایی در استان مازندران» پرداخت. این تحقیق با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر شکست شرکت های کوچک و متوسط در صنعت شیمیایی در محدوده ی استان مازندران انجام شده است. نتایج حاکی از آن بود که شرایط اقتصادی نامناسب، مسائل مربوط به پرسنل و سیاست ها و قوانین نامناسب، جزو مهم ترین عوامل و ویژگی های فردی نامناسب، حوادث ناگوار و فقدان انگیزه در جایگاه کم اهمیت ترین عوامل مؤثر بر شکست شرکت های کوچک و متوسط در صنعت شیمیایی قرار گرفته اند.

آراستی و غلامی (۱۳۸۹) در پژوهشی به «بررسی علل شکست کارآفرینان در ایران» پرداختند. این تحقیق به شناسایی عوامل شکست کارآفرینان در ایران و تعیین میزان اهمیت هر یک از این عوامل با مطالعه ی موردی تعداد قابل قبولی از کارآفرینان ناموفق با ابزار پرسش نامه می پردازد. براساس نتایج به دست آمده از این تحقیق عوامل اصلی شکست کارآفرینان در ایران شامل سه عامل خارجی جو اقتصادی نامناسب جامعه، قوانین و مقررات دولتی و تامین نامناسب منابع مالی از راه سرمایه گذاران و بانک ها و سه عامل داخلی تغییر انگیزه ها، خستگی و دل سردی از کار، ارزیابی غیرواقعی طرح و عضویت نداشتن در شبکه ها و گروه های مرتبط با کسب و کار است.

سعیدی و افشاری جو (۱۳۸۹) در مقاله ای تحت عنوان ۱۲ علت اصلی ورشکستگی شرکت ها با مرور ادبیات موضوع و بررسی شرکت های بزرگ و کوچک توانستند مهم ترین دلایل شکست شرکت را بر اساس

اهمیت دسته بندی کنند. این دلایل به ترتیب اهمیت شامل فقدان سرمایه گذاری لازم، عدم تأمین مالی بلند مدت، فعالیت های اقتصادی کشور به جریان انداختن ضعیف نقدینگی، ایجاد توسعه بیش از اندازه اعتبار می باشند.

با نگاهی گذرا به مطالعات تجربی متوجه خواهیم شد که اعتبارات و دیگر خدمات مالی به طور مستقیم و فوری منجر به اشتغال نمی شوند و بستگی به نحوه استفاده از منابع مالی دارد. تصمیم درباره استفاده از این منابع ممکن است از هدف توافق شده قبلی متفاوت باشد. میزان موثر بودن اعتبارات در ایجاد و توسعه اشتغال بستگی به درآمد مصرف و پس انداز و سرمایه گذاری مشتری دارد.

### نتیجه گیری

در بیان اهمیت سیاست های مالی و پولی دولت می توان اینطور اظهار کرد که اعمال هر سیاستی توسط دولت که باعث افزایش توجه سرمایه گذاری ها به بخش های مولد اقتصاد شود، می تواند بر کاهش بیکاری در کشور موثر باشد. به عنوان مثال سیاست های انقباضی پولی دولت، نه تنها سرمایه گذاری های داخلی را با مشکل مواجه می سازد، بلکه می تواند با ایجاد رکود در کشور باعث تشدید بی کاری نیز شود. افزون بر این سیاست های پولی که نقدینگی را جذب بخش های مولد اقتصاد می کند تاثیر بسزایی در ایجاد اشتغال در کشور خواهد داشت.

به همین ترتیب بازنگری در سیاست های مالی دولت نیز می تواند بر بی کاری بسیار تاثیر گذار باشد. به عنوان مثال شاید هزینه هایی که صرف طرح های بزرگ عمرانی می شود و گاه به نتیجه نمی رسد بتواند در سطح بنگاه های کوچک و یا متوسط اشتغال زایی زیادی ایجاد کند. در عین حال اگر این سرمایه گذاری ها بدست بخش خصوصی صورت گیرد احتمال صرفه جویی در منابع سرمایه ای و اشتغال زا (بیشتر نسبت به سرمایه) به مراتب بالاتر خواهد بود.

در شرایط کنونی، حتی ممکن است صرف نظر کردن از برخی زیر بناسازی های اقتصادی و روی آوردن به سرمایه گذاری های زودبازده بیشتر به صلاح اقتصاد کشور باشد البته شایان ذکر است که جهت تاثیر مناسب این سرمایه گذاری ها بر متغیرهای کلان اقتصادی در کشور، باید قوانینی مناسب و دقیق در نظر گرفته شود. تا جایی که شاید اهمیت وضع این قوانین توسط دولت و رعایت آنها، از میزان اعتبار در نظر گرفته شده بیشتر باشد.

با توجه به بحران بیکاری در اقتصاد ایران لازم است تا هر چه سریع تر چاره اندیشی مناسبی برای آن صورت گیرد. ارائه راهکارهایی برای برون رفت از این فروپستگی اقتصادی، نیازمند موشکافی های بیشتر و تامل دوباره در این باره است. به هر حال به نظر می رسد که به طور کلی و با استفاده از تجربیات سایر کشورها می توان راه های زیر را برای بهبود بحران بیکاری در کشور ارائه کرد که البته اجرای برخی از آنها تنها در بلند مدت امکان پذیر خواهد بود. بنابراین به طور کلی و بدون توجهی خاص به بنگاه های زودبازده سیاست های زیر جهت مقابله با بحران بیکاری مناسب به نظر می رسند:



۱) با توجه نیاز شدید اقتصاد کشور به گسترش سرمایه گذاری، جذب سرمایه گذاری‌های خارجی اجتناب ناپذیر خواهد بود. به همین دلیل باید موانع اقتصادی و سیاسی بر سر راه سرمایه گذاری‌های خارجی از میان برداشته شود و راه‌های عملی برای جذب آنها به همان صورتی که کشورهای دیگر سال‌هاست از آن استفاده می‌کنند ارائه گردد.

۲) دولت باید با اعمال سیاست‌های مختلف، سرمایه‌های کشور را به قصد انتفاع شخصی سرمایه‌گذاران به سوی بخش‌های مولد صنعت بکشد.

۳) باید از اعمال هر گونه سیاستی که منابع سرمایه‌ای کشور را متوجه فعالیت‌های غیر مولد در اقتصاد می‌کند، پرهیز شود و بازارهای رسمی سرمایه (همچون بورس اوراق بهادار) گسترش بیشتری یابند.

۴) باید دولت با تجدید نظر در سیاست‌های پولی خود، به جای کنترل حجم نقدینگی در کشور تلاش کند نقدینگی را به سوی فعالیت‌های مولد اقتصاد بکشد و بازارهای پولی کشور را در راه وام دهی بیشتر به این بخش‌ها ترغیب نماید.

۵) باید درباره ساختار سیاست‌های مالی و بودجه دولت تجدیدنظر شود و تلاش گردد تا سرمایه‌گذاری‌های دولت، بر بخش‌هایی از اقتصاد متمرکز شود که به سرعت بیشتری به بهره‌برداری می‌رسد و سرمایه کمتری را نیز طلب می‌کند.

۶) لازم است که مجموعه سیاست‌های طرف عرضه که عرضه اقتصاد کشور را تحریک می‌کند، اعمال شود. نمونه بارز این سیاست‌ها، کاهش مالیات و عوارض، مشکلات پیش روی تولیدکنندگان، مقررات زدایی به نفع فعالیت‌های تولیدی در کشور و ... است.

۷) لازم است دولت با سیاست‌ها و رفتار خود، توجه خاصی به کارآفرینان کشور مبذول کند و آنچه در توان دارد را برای آسایش آنان در فعالیت‌های اقتصادی انجام دهد.

به طور کلی، توصیه‌های سیاستی زیر می‌تواند حائز اهمیت باشد:

وضع مقررات نامناسب یا وارد کردن مؤسسات تامین مالی خرد به رعایت قوانینی که برای مؤسسات مالی عادی وضع شده، می‌تواند اثرات نامطلوبی بر رشد و توسعه پایدار این بخش بر جای گذارد. لذا در صورتی که بخواهیم تامین اعتبارات خرد را به عنوان یک سیاست مبارزه با بی‌کاری و فقر مورد استفاده قرار دهیم، لازم است که مطالعاتی در رابطه با قوانین و مقررات مناسب برای توسعه این بخش انجام دهیم. بنابراین توصیه می‌شود نهادشناسی مؤسسات تامین مالی خرد با اهداف زیر مورد توجه واقع شود.

الف) ساختارهای قانونی و حقوقی کشورهای مختلف برای تنظیم و نظارت بر بخش تامین مالی خرد مورد بررسی و تحلیل جدی قرار گیرد.

ب) پیشنهاد و ارائه یک ساختار حقوقی مناسب برای این مؤسسات در ایران، مورد توجه جدی مسئولان ارشد وزارت کار و امور اجتماعی قرار بگیرد.

### توصیه‌های سیاستی در جهت تامین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط شکست یافته

در خصوص حمایت‌های مالی از SMEs اجرای سیاست‌های زیر در خور توجه است:

- (۱) معرفی ابزارهای نوین مالی، مانند اوراق قرضه شرکتی، سهام ممتاز، اختیار معامله و قراردادهای آتی
- (۲) تامین نیازهای مالی - پولی و اعتباری بنگاه‌های کوچک و متوسط توسط بانک‌های تجاری و صندوق اعتبارات تضمینی با بهره نازل و شرایط بازپرداخت سهل الوصول
- (۳) حمایت مالی اعتباری و ارائه تخفیف‌ها و معافیت‌های ویژه مالیاتی به بنگاه‌های صنعتی کوچک و متوسط تامین سرمایه نقدینگی به منظور راه اندازی پروژه‌های تولیدی در واحدهای صنعتی کوچک و متوسط
- (۴) بازاریابی برای محصولات تولیدی صنایع کوچک و متوسط
- (۵) فراهم کردن امکانات زیربنایی که متضمن رشد سریع و پایدار صنایع کوچک و متوسط است.

در خصوص تامین مالی از طریق بانکها بر پایه واسطه‌گری بانکها و موسسات مشابه نیز پیشنهادات ذیل می‌تواند کمک‌کننده باشد:

- (۱) استقلال نظام بانکی از نظام بودجه‌ای کشور یکی از مسائل مهمی است که باید نسبت به آن اهتمام خاص شود. نظام بودجه‌ای از طریق تخصیص منابع بانکها به بخش دولتی و غیر دولتی و ایجاد تکالیف بودجه‌ای برای بانک‌ها، همواره باعث ایجاد ناکارایی در ساختار نظام بانکی کشور شده است. در نتیجه، تلاش در جدا کردن نظام بودجه‌ای از نظام اعتباری و بانکی یکی از راه‌های اصلی افزایش کارایی نظام بانکی است.
- (۲) ضروری است اقدامات لازم جهت یکدست کردن نرخ تسهیلات پیگیری شود. بدین معنا که فعالیت‌های مشابه فارغ از ملاحظات اداری بتوانند در شرایط مساوی از تسهیلات استفاده کنند.
- (۳) استقلال بانک‌ها در تعیین نرخ تسهیلات یکی از نکات کلیدی در ارتباط با نظام بانکی است. از نظر اجرایی دولت می‌تواند با تعیین سقف و کف نرخ بهره تسهیلات بانک‌ها را برای رقابت در آن محدوده آزاد بگذارد. این مهم، افزون بر آنکه باعث رقابتی شدن نظام بانکی می‌شود، سبب ایجاد انگیزه در بانک‌ها برای افزایش کارایی خواهد شد.
- (۴) ایجاد نظام سنجش اعتبار یکی از مسائلی است که نیاز به توجهی جدی دارد. وجود بانک اطلاعاتی قوی در خصوص اطلاعات اعتباری می‌تواند به عنوان داده‌های اقتصادی، برای شبیه‌سازی رشد اقتصادی به کار گرفته شود. در تمام کشورهایی که اقدام به استفاده از نظام سنجش اعتبار کردند.

### فهرست منابع

- \* آراستی، زهرا و غلامی، منیره (۱۳۸۹)؛ علل شکست کارآفرینان در ایران، فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۲(۸): ۱۸۴-۱۶۳.
- \* الیاسی، قنبر محمد. نوتاش، هادی (۱۳۹۰)، شناسایی ریشه های شکست کار آفرینان کارکشته ایرانی نگاهی روایتی گفتمانی، فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۴(۱۳): ۵۰-۳۱.
- \* احمدپور داریانی، محمود، مقیمی، سید محمد(۱۳۸۵)؛ مبانی کارآفرینی، تهران، نشر فرا اندیش، چاپ چهارم، ص ۴۹.
- \* تاکی، الهام، رضائی زاده، مرتضی و نو تاش، هادی (۱۳۹۷)، شناسایی شایستگی های بازدارنده پایداری کار آفرینان کسب و کارهای کوچک و متوسط، فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۱۱(۲): ۳۰۰-۲۸۱.
- \* حسینی، سید محمد. رضایی، روح الله(۱۳۹۲). طراحی مدل معادلات ساختاری توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی های توسعه روستایی استان زنجان. نشریه توسعه کارآفرینی. ۶(۴): ۷۴-۵۷.
- \* حنفی زاده، پیام و بخشی، جواد (۱۳۸۹)؛ رویکردی جهت باز طراحی فرایندهای کسب و کار مبتنی بر انتخاب بهترین راهکارهای استراتژیک، فصلنامه علوم مدیریت ایران، ۲(۷): ۵۴ - ۳۱.
- \* حجازی، اسد و کشتکار و ناشی، زهرا (۱۳۹۰). بررسی و رتبه بندی عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی کسب و کارهای کوچک مطالعه موردی فروش پوشاک بانوان در شهر کرج، پنجمین همایش ملی و چهارمین همایش بین المللی مهارت آموزی و اشتغال، سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور.
- \* داوری، علی (۱۳۹۱)؛ ارائه مدل نظام خط مشی گذاری توسعه کارآفرینی، فصلنامه چشم انداز مدیریت دولتی. ۱۱(۱۰): ۵۰-۳۳.
- \* رضایی، روح اله و حسینی، سید محمود (۱۳۹۲)، طراحی مدل معادلات ساختاری توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی های توسعه روستایی استان زنجان، فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۶(۴): ۷۵-۵۷.
- \* سبزه علی، رضوان و امرایی، محمد(۱۳۹۱)؛ نگرش کار آفرینان به سوی شکست (رویکرد یادگیری تجربی) مطالعه موردی: دانشگاه علمی کاربردی، کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان، بابلسر، شرکت پژوهشی طرود شمال.
- \* صمد آقایی، جلیل (۱۳۸۵)، سازمانهای کار آفرین تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- \* مرادی، کیومرث و نیلی پور طباطبایی، سید اکبر (۱۳۹۰)، بررسی نقش بنگاه های کوچک و متوسط در توسعه فعالیت های اقتصادی کشور، اولین کنفرانس بین المللی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم تربیتی، ساری، دانشگاه پیام نور نکا.
- \* سجاسی قیداری، حمد الله، شایان، حمید و حسینی کهنوج، سیدرضا(۱۳۹۶): شناسایی عوامل موثر بر شکست کسب و کارهای کارآفرینان محلی با روش تئوری بنیانی و رویکرد آینده پژوهی، فصلنامه برنامه ریزی و آمایش فضا، ۲۹(۱): ۷۷-۵۱.

- \* عاطفی، علی. حسینی، ابوالحسن. فلاح، حمیدرضا. (۱۳۹۷). بررسی و شناسایی مهمترین عوامل شکست بر بنگاه های کوچک و متوسط فعال در صنعت شیمیایی در استان مازندران. پایان نامه کارشناسی ارشد. رشته مدیریت. دانشگاه مازندران، دانشکده علوم اقتصادی و اداری.
- \* نجفیان، نشمین (۱۳۹۵)؛ شناسایی عوامل موثر بر شکست شرکت های کوچک و متوسط (مورد مطالعه : شهرک صنعتی آمل)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران.
- \* Atsede, W. Brychan, T. (2018), *Financial Entrepreneurship for Economic Growth in Emerging Nations*, USA: IGI Global.
- \* Atsan, N. (2016). Failure Experiences of Entrepreneurs: Causes and Learning Outcomes, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*:435 - 442.
- \* Holienka, M., Pilková, A. & Munk, M.(2014).Business Restart in Visegrad Countries. *Entrepreneurial Business and Economics Review*, 2(1): 37-48.
- \* Khelil, N.,(2015).The many faces of entrepreneurial failure: Insights froman empirical taxonomy, *Journal of Business*. 13(5): 73-90.
- \* Ooghe, H. & De Prijcker, S. (2016). Failure process and causes of company bankruptcy: a typology, *Management Decision*, 46(2): 223-242.
- \* Peykarjo, K., & Farzaneh, A. (2011). *Organizational Entrepreneurship and Entrepreneurship Organizations*. Tehran: Strategic Research Institute, (In Persian).
- \* Pretorius, M., & Le Roux, I. (2011). Successive failure, repeat entrepreneurship and no learning: A case study. *SA Journal of Human Resource Management/SA Tydskrif vir Menslikehulpbronbestuur*, 9(1), 236-249.
- \* Sarwoko, E. & Frisdiantara, C. (2016), Growth Determinants of Small Medium Enterprises (SMEs), *Universal Journal of Management* 4(1): 36-41.
- \* Wilkinson, T. Brouthers, L. E. (2006). Trade promotion and SME export performance, *International Business Review*, 15:233–252.

## یادداشت‌ها

- <sup>1</sup> SMEs: Small and Medium Enterprises  
<sup>2</sup> Sarwoko and Frisdiantara  
<sup>3</sup> Entrepreneurial small and medium businesses  
<sup>1</sup> . Wilkinson & Brouthers  
<sup>2</sup> . Atsede & Brychan  
<sup>6</sup> . Holienka  
<sup>7</sup> . Khelil  
<sup>8</sup> .Pet Kova  
<sup>9</sup> . Ooghe & De Prijcker